

زرتشت در آپوکریفا

میلاد جهانگیرفر^۱

چکیده

در کتاب مقدس اشارات متعددی به ایران وجود دارد، هرچند نام زرتشت، پیامبر باستانی ایران، در کتاب‌های رسمی و پذیرفته شده توسط کلیسا ذکر نشده است. با وجود آن که کتاب‌های آپوکریفا منابعی مهم برای مطالعه دوره پس از حواریون محسوب می‌شود، عمدتاً توسط کلیسا مردود شناخته شده‌اند. انجیل عربی کودکی مسیح یکی از کتاب‌های آپوکریفای عهد جدید است که در آن نام زرتشت ضمن داستان افرادی آمده است که از سرزمینی شرقی برای دیدن مسیح نوزاد به بیت‌الحم سفر می‌کنند. نویسندگان کلاسیک و دوره میانه هویت‌های گوناگونی برای این زرتشت ارائه داده‌اند، هرچند به نظر می‌رسد که وی کسی جز پیامبر ایرانی نباشد. همچنین جالب توجه است که تولد مسیح، بر اساس نوشته‌های عهد جدید، شباهت چشمگیری با زایش زرتشت، بر اساس نوشته‌های فارسی میانه، دارد.

واژه‌های کلیدی: انجیل عربی کودکی مسیح، انجیل متی، آپوکریفا، زایش زرتشت

۱- مقدمه

در کتاب مقدس، مجموع عهد عتیق و عهد جدید، اشارات متعددی به ایران و ایرانیان وجود دارد، هرچند نام زرتشت، پیامبر ایرانی، در هیچ یک از کتاب‌های رسمی و پذیرفته شده توسط کلیسا ذکر نشده است. اصطلاح «آپوکریفا»^۲ به گروهی از کتب اطلاق می‌شود که مورد تأیید کلیسا نیستند. در واقع، با آنکه کتاب‌های آپوکریفا به اعتقاد کلیسا از نظر صحت حوادث تاریخی اعتبار چندانی ندارند، یکی از منابع مهم مطالعاتی برای دوره «پس از حواریون»^۳ محسوب می‌شود (ماس-آرنولت^۴، ۱۹۰۴: ۷۵۱). کلیساهای

^۱- کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

jahangirfar_milad@ymail.com

^۲- مشتق از واژه لاتین «آپوکریفوس» (apokryphos) به معنی «مخفی، نهان» (مک‌کنزی، ۱۹۶۵: ۴۲). بعدها، واژه آپوکریفا به معنی «اعتبار مشکوک» به کار رفت (پیرسی، ۱۹۰۸: ۴۷).

^۳- post-apostolic era

^۴- Muss-Arnolt, W.

پروتستان و کاتولیک در دسته‌بندی کتاب‌های آپوکریفا تا حدی با یکدیگر اختلاف نظر دارند و این اصطلاح را به کتاب‌های کاملاً یکسانی اطلاق نمی‌کنند (مک کنزی^۱، ۱۹۶۵: ۴۲).

۲- انجیل عربی کودکی مسیح

یکی از آثار جالب توجه و در واقع تنها کتابی که در آن نام زرتشت آمده، کتاب *انجیل عربی کودکی مسیح*^۲، از آثار آپوکریفای عهد جدید، است.^۳ در این کتاب، نام زرتشت در داستان افرادی ذکر شده است که برای دیدن مسیح نوزاد از سرزمین یا سرزمین‌هایی شرقی به بیت‌الهم^۴ سفر کردند. اصل این داستان در *انجیل متی* (۲: ۱-۱۲)، از کتاب‌های پذیرفته شده و رسمی کلیسا، آمده است.^۵ طبق این انجیل، پس از آن که مسیح در زمان هرود^۶ در بیت‌الهم زاده شد، افرادی از سرزمین‌های شرقی به اورشلیم^۷ رفتند تا تا نوزاد را ببینند. ایشان پرسیدند: «کجاست شاه تازه متولدشده یهودیان؟ ما ستاره او را دیدیم که طلوع کرد و برای ستایش وی آمده‌ایم» (متی، ۲: ۲). هرود که از شنیدن این خبر آشفته شده بود، پس از مشورت با دانایان دربار خود به مسافران شرقی می‌گوید: «به بیت‌الهم بروید و با دقت به دنبال کودک بگردید. و آنگاه که او را یافتید، نزد من بازگردید و به من بگویید تا من نیز بتوانم به سوی او رفته ستایشش کنم!» (همان، ۲: ۸). پس از یافتن مسیح و مریم، آنها مسیح را ستایش و هدایای خود، یعنی زر، کندر و مر را به او پیشکش می‌کنند. هنگام بازگشت، «ایشان از راه دیگری به کشور خود بازگشتند، زیرا خداوند در رؤیایی به ایشان هشدار داده بود که نزد هرود بازنگردند» (همان، ۲: ۱۲).

در نسخه یونانی کتاب مقدس، این افراد با عنوان «مغان» معرفی شده‌اند، در حالی که در دیگر نسخه‌ها، با عنوان «دانایان» یا «منجمان سلطنتی» از آنها یاد شده است. هویت و ملیت این افراد مشخص نیست. برخی آنها را ایرانی دانسته‌اند، گرچه تاکنون مدرک قطعی برای این فرضیه ارائه نشده است. این واقعیت که در *انجیل متی* اشاره روشنی به کشور، یا کشورهای ایشان، وجود ندارد، شاید به این معنا باشد «که احتمالاً خود نگارنده انجیل نیز اطلاعات دقیقی نداشته است» (اسمیت^۸، ۱۸۶۳: ۱۹۰). از سوی دیگر، تعداد آنها نیز مشخص نیست، گرچه معمولاً ایشان را سه نفر می‌دانند، یعنی به تعداد هدایایی که به مسیح دادند.

^۱ - McKenzie, J.L.

^۲ - The Arabic Gospel of the Infancy

^۳ - احتمال دارد که این انجیل عربی از روی یک نسخه کهن‌تر سریانی، شاید متعلق به سده پنجم یا ششم میلادی، نوشته شده باشد (الیوت، ۲۰۰۵: ۱۰۰).

^۴ - Bethlehem

^۵ - انجیل متی احتمالاً در دهه ۸۰ میلادی نگاشته شد (رجوع کنید به مک، ۱۹۹۳: ۲).

^۶ - Herod

^۷ - Jerusalem

^۸ - Smith, W.

داستان سفر این افراد به بیت‌الهمم در انجیل عربی کودکی مسیح تا حدی متفاوت از انجیل متی ضبط شده است: «دانیان از شرق به اورشلیم آمدند، طبق پیش‌گویی زرادشت^۱ (زرتشت) و با خود پیش‌کش‌ها آوردند، شامل زر، کندر، و میر، و او را نماز بردند، و هدایای خود را به او پیش‌کش کردند» (انجیل عربی کودکی مسیح، ۳: ۱). همانطور که استوردونت^۲ نیز بیان کرده است، یکی از نکاتی که می‌توان از انجیل عربی، در مقایسه با دیگر روایت‌های این داستان، آموخت، پیش‌گویی زرتشت است (استوردونت، ۱۹۷۳: ۱۰).

نظرات گوناگونی از سوی نویسندگان کلاسیک و سده‌های میانه درباره هویت این زرتشت مطرح شده است، هرچند به نظر می‌رسد که وی کسی جز زرتشت، پیامبر ایرانی، نباشد. از میان نویسندگان سده‌های میانه، ایزیدور اهل سویل^۳ (۵۷۰-۶۳۶) باور داشت که زرتشت انجیل عربی یکی از مغانی بود که به دیدن مسیح رفتند (همان: ۲۰). از سوی دیگر، برخی مانند پیترز^۴ (۱۹۱۴: X) این زرتشت را با «بلعم» یکی دانسته‌اند.

بلعم، پیش‌گویی از پتور^۵، در نزدیکی فرات، بود. بالاک^۶، پادشاه مواب^۷، به وی فرمان داد تا اسرائیلیان را نفرین کند. پیش از انجام مراسم نفرین، بلعم چهار پیش‌گویی کرد که هر یک به جای نفرین مژده برکت و موهبت بود (مک‌کنزی، ۱۹۶۵: ۷۷). بر اساس کتاب *اعداد* (۲۴: ۱۷)، بلعم پیش‌بینی کرده بود که «ستاره‌ای از خاندان یعقوب طلوع خواهد کرد». هونوریوس اهل اوتون^۸ (۱۰۸۰-۱۱۵۴) سه مغ را نواده زرتشت می‌دانست (استوردونت، همان: ۲۵). نکته مهم و جالب توجهی که در رابطه با شرقیان ملاقات‌کننده مسیح باید مطرح کرد، نام‌های ایشان است که در سنت به صورت بیتیساری، ملیکیور و گاتاسپا ضبط شده است^۹ (پیترز، همان: ۱۹۲؛ استوردونت، همان: ۲۱). احتمال دارد که سومین نام، یعنی گاتاسپا، شکل دگرگون‌شده‌ای از «گشتاسب» باشد.^{۱۰}

^۱ - Zeraduscht

^۲ - Sturdevant, W.

^۳ - Isidore of Seville

^۴ - Peeters, P.

^۵ - Pethor

^۶ - Balak

^۷ - Moab

^۸ - Honorius of Autun

^۹ - بر اساس دست‌نوشته‌ای از *Historia Scholastica* این نام‌ها در عبری، یونانی و لاتین به ترتیب به صورت‌های ذیل ضبط شده‌اند: گالگالات، ماگالات، ساراکیم (Galagalat, Magalath, Sarachim); آپلوس، آمروس، داماسیوس (Appelus, Amerus, Damasius); بالتازار، گاسپار، ملیکیور (Balthassar, Gaspar, Melchior). گفتنی است که در دست‌نویس مذکور، نام‌های عبری و یونانی جایجا نوشته شده‌اند که این مورد در نسخه‌های دیگری که به این دست‌نویس ارجاع داده‌اند نیز تکرار شده است (استوردونت، همان: ۲۷).

^{۱۰} - کلیسای شرقی جزئیات بیشتری را از سفر این افراد ارائه می‌دهد. بنا بر سنت مذکور، «مغان با هزار نفر از همراهان خود به اورشلیم رسیدند، در حالی که پشت سر خود، در ساحل دیگر فرات، سپاهی متشکل از ۷۰۰۰ نفر را باقی گذاشته بودند» (اسمیت، ۱۸۶۳: ۱۹۲). برخی «گاتاسپا(ر)» را صورت دگرگون‌شده گوندفَر (Gundafarr) می‌دانند که نام یکی از حاکمان پارتی در جنوب شرقی ایران و جنوب غربی هند از حدود سال ۱۹ تا ۴۶ میلادی بود. این نام به صورت «گوندوفروس» (Gundophorus) در آپوکریفای اعمال توماس آمده است (بویس، ۱۹۹۱: ۴۴۹). البته تبدیل این نام‌ها به صورتی که در اینجا ذکر شد، و تحولات آوایی آنها، موضوع جالب توجهی است که پژوهشی مستقل می‌طلبد (با سپاس از آقای دکتر محمدرضا عدلی که این نکته را از کتاب مری بویس به نگارنده یادآور شدند).

۴- پیشگویی زایش مسیح توسط زرتشت

به گفته پیترز (همان: VIII-X) دست‌نویسی عربی از مجموعه «*codex orientalis 32*» در کتابخانه لورنتین^۱ فلورانس، حاوی پیش‌گویی زرتشت درباره تولد مسیح است:

«دوشیزه‌ای خواهد بود که بدون یاری مردی باردار خواهد شد. (او کودکی به دنیا خواهد آورد)^۲ بی‌آنکه بکارت خود را از دست بدهد [...] به عنوان نشانه‌ای از تولد او، در شرق ستاره‌ای خواهید دید درخشان‌تر از نور خورشید و ستارگانی که در آسمان هستند، چرا که در حقیقت، آن یک ستاره نیست، بلکه فرشته‌ای از سوی خداوند است. هنگامی که آن [ستاره] را دیدید، به سوی بیت‌اللهم بشتابید. نوزاد را نماز برید و هدایایان را پیشکش کنید. آن ستاره، راهنمای شما به سوی او خواهد بود.»

این پیش‌گویی بی‌شبهت به باورهای زرتشتی درباره ظهور «سوشیانس»، منجی آخر زمان، نیست. بنا بر باورهای زرتشتی، نطفه زرتشت در دریاچه «کیانسه» نگهداری می‌شود. در پایان جهان، دوشیزه پانزده ساله‌ای هنگام آب‌تنی در دریاچه، از این نطفه باردار شده و سرانجام سوشیانس از وی متولد خواهد شد.^۳

عناصر ایزدی و نقش یک دوشیزه در زایش منجی در هر دو فرهنگ زرتشتی و مسیحی بسیار برجسته است. بنا بر *انجیل متی* (۱: ۱۸)، «مریم، به عقد یوسف درآمده بود تا با وی ازدواج کند. اما پیش از ازدواج، در حالی که هنوز دوشیزه بود، از طریق روح‌القدس باردار شد». مشابه این روایت در *انجیل لوقا* باب ۱، آیات ۲۶ تا ۴۵ نیز آمده است. از سوی دیگر، بنا بر نوشته‌های فارسی میانه، روح و جسم زرتشت از ترکیب عناصری ایزدی شکل گرفت (تفضلی و آموزگار، ۱۳۷۰: ۳۷-۴۲). همچنین، در *گزیده‌های زادسپرم* (۷)، نسب زرتشت به کیومرث، نخستین انسان در اوستا، و سرانجام به خود اورمزد می‌رسد (همچنین ر.ک. به ولبرن^۴، ۲۰۰۸: ۲۱). می‌توان چنین نسبی را برای فرزندان زرتشت نیز در نظر گرفت. در نتیجه، می‌توان شباهت جالب توجهی را میان نسب ایزدی زرتشت و مسیح از یک سو، و مسیح و فرزندان زرتشت از سوی دیگر مشاهده کرد.

پیش از ظهور مسیحیت، اندیشمندان و نویسندگان غربی با نام زرتشت آشنا بودند. برای نمونه، افلاطون^۵ در کتاب *آلسیبیادیس اول* به زرتشت و آموزه‌هایش اشاره کرده است (ر.ک. به افلاطون، ۱۸۵۵:

^۱ - Bibliothèque Laurentienne

^۲ - مطلب داخل پرانتز از پیترز و نوشته داخل کروشه از نویسنده این مقاله است.

^۳ - ر.ک. بویس، ۱۹۷۹: ۴۲. پیش از ظهور سوشیانس، دو پسر دیگر زرتشت، به نام‌های اوشیدر و اوشیدرماه، به روش معجزه‌آسای مشابهی متولد می‌شوند (ر.ک.: بهار، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

^۴ - Welburn, A. J.

^۵ - افلاطون نیز زرتشت را پسر اورومازس (Oromazes) یا همان اورمزد می‌دانست (ر.ک.: افلاطون، ۱۸۵۵: ۳۴۴).

۳۴۴). اثر دیگری که در اینجا می‌توان از آن نام برد، پیش‌گویی‌های کلدانی^۱ است. به نظر می‌رسد که میان این کتاب، که نخستین بار توسط پلتو^۲ (حدود ۱۳۵۵-۱۴۵۲ م) به زرتشت و مغان نسبت داده شد، و بخشی از سنت افلاطونی پیوندی وجود داشت (دانفلد^۳، ۱۹۵۷: ۸-۹). با این همه، این پرسش مطرح می‌شود که آیا نویسنده انجیل از سنت زرتشتی مطلع بوده است؟ کشف یک سری دست‌نویس از نجع حمادی^۴، در مصر، تا حدی می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد. در آپوکریفون جان^۵، منبع اصلی آگاهی ما از باورهای عرفان شیئی^۶ و اثری احتمالاً متعلق به سده دوم میلادی، اشاره‌ای به «کتاب زرتشت» وجود دارد. بنا بر نسخه یونانی دست‌نویس‌های نجع حمادی، مطالب مربوط به عناصر تشکیل‌دهنده روح و جسم آدم^۷ و ۳۶۵ فرشته که با بخش‌های بدن مرتبطاند از کتاب زرتشت رونویسی شده‌اند (ر.ک. به گابرا^۸، ۲۰۰۹: ۳۳-۳۴؛ والدستاین^۹ و ویسه^{۱۰}، ۱۹۹۵: ۷ و ۱۱۱). در واقع، در مطالعه این اندیشه و ایده مشترک باید سه فرهنگ زرتشتی، مسیحی و یهودی را در نظر داشت. احتمال دارد که باور به سوشیانس، نخست جذب یهودیت و پس از آن از طریق یهودیت به باورهای مسیحی رفته و با تغییراتی توسط نویسندگان یهودی-مسیحی به کتب ایشان راه یافته باشد (ولبرن، همان: ۱۰).

نکته قابل توجه دیگر آن که در برخی نوشته‌های کلاسیک و سده‌های میانه به بیش از یک زرتشت اشاره شده است. برای نمونه، برخی اعتقاد دارند که آرنوبیوس^{۱۱} (I 52) از چهار زرتشت سخن گفته است که آشوری یا کلدانی^{۱۲}، بلخی، ارمنی و پامفیلیه‌ای^{۱۳} بودند. هرچند، ادواردز ثابت کرده است که درک نوشته آرنوبیوس کاملاً وابسته به نشانه‌ها و روش نقطه‌گذاری این متن کهن است و در نتیجه به باور وی، در نوشته آرنوبیوس تنها با یک زرتشت روبرو هستیم. وی ترجمه زیر را برای متن لاتین^{۱۴} آرنوبیوس

^۱ - Oracula Chaldaica. نگارش پیش‌گویی‌های کلدانی را به «جولیان کلدانی» (Julian the Chaldean) و پسرش «جولیان معجزه‌گر» (Julian the Theurgist) نسبت می‌دهند. هرچند، سویدس (Suidas) باور داشت که جولیان پسر نگارنده این کتاب بوده است (لوی، ۲۰۱۱: ۴-۵).

^۲ - Pletho

^۳ - Dannenfeldt, K.H.

^۴ - Nag Hammadi

^۵ - Apocryphon of John

^۶ - Sethian

^۷ - Adam

^۸ - Gabra, G.

^۹ - Waldstein, M.

^{۱۰} - Wisse, F.

^{۱۱} - Arnobius

^{۱۲} - آرنوبیوس برای زرتشت کلدانی به نخستین تاریخ (History) کتزیاس (Ctesias) ارجاع داده است.

^{۱۳} - Pamphylian/Pamphilos

^{۱۴} - Armenius, Zostriani nepos, et familiaris Pamphylus Cyri

پیشنهاد می‌کند: «زرتشت ارمنی، نوه زوستریانوس، و دوست پامفیلیه‌ای کوروش» (ادواردز،^۱ ۱۹۸۸: ۲۸۷).

نظر قدیمی و اکنون مردود دیگر درباره زرتشت، باور به یهودی بودن پیامبر ایرانی است که توسط پژوهشگرانی چون فلویپر مطرح شد. به گمان فلویپر، زرتشت یهودی بود و به همین دلیل اسدرا^۳ در نوشته‌های خود بارها به وی اشاره کرده است (فلویپر^۴، ۱۷۲۱: ۱۵). البته این نظر در تناقض با کتاب‌های اسدرا^۱ و اسدرا^۲ دوم قرار دارد، چرا که نام زرتشت در هیچ کجای کتب مذکور ذکر نشده است. به نظر می‌رسد که فلویپر نوشته زیر را اشاره‌ای به جادو و در کل فریبکار بودن زرتشت می‌داند: «پس ناراستان و بدان بر زمین زیاد خواهند شد؛ آنگاه یک زمین از دیگری خواهد پرسید، آیا عدالت است که مرد را نیکوکار می‌کند، هنگامی که کاملاً از میان رفته است؟ پس خواهد گفت، نه». در واقع به باور فلویپر زرتشت که در بلخ مستقر و معاصر گشتاسب، پدر داریوش بود، خدا را در خورشید و آتش می‌دید و پرستش می‌کرد و می‌گفت که آتش را از بهشت آورده است (همان).

منابع

بهار، مهرداد (گزارنده) (۱۳۹۰). بندهش. چاپ چهارم، تهران: توس.
تفضلی، احمد و ژاله آموزگار (۱۳۷۰). اسطوره زندگی زرتشت، بابل: کتابسرای بابل.
راشدمحصل، محمدتقی (گزارنده) (۱۳۶۶). گزیده‌های زادسپرم، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

Arnobius (1871). *The Seven Books of Arnobius Adversus Gentes* (Translations of the Writings of the Fathers Down to A.D. 325 vol XIX). Translated into English by Hamilton Bryce and Hugh Campbel. Edinburgh: T. & T. Clark.

Boyce, M. (1979). *Zoroastrians. Their Religious Beliefs and Practices*. London, Boston & Henley: Routledge & Kegan Paul.

^۱ - Edwards, M.J.

^۲ - در کتب تاریخی، از زرتشت‌های دیگری نیز یاد شده است؛ برای نمونه، زرتشت یونانی که با مکتب اورفیسم-فیثاغورسی در پیوند بود یا زرتشت مصری (ر.ک. به ولبرن، ۲۰۰۸: ۷۱ و ۷۳).

^۳ - Esdras

^۴ - Floyer, J.

- Boyce, M.(1991). *A History of Zoroastrianism. Vol 3: Zoroastrianism under Macedonian and Roman Rule* .Leiden/New York/København/Köln: Brill.
- Dannenfeldt, K. H. (1957). 'The Pseudo-Zoroastrian Oracles in the Renaissance'. *Studies in the Renaissance*, vol. 4, pp. 7-30.
- Elliot, J. K. (2005). *The Apocryphal New Testament. A Collection of Apocryphal Christian Literature in an English Translation based on M. R. James*. Oxford University Press.
- Edwards, M. J. (1988). 'How Many Zoroasters? Arnobius, 'Adversus Gentes' I 52'. *Vigiliae Christianae*, vol. 42, no. 3, pp. 282-289.
- Floyer, J.(1721). *The Prophecies of the Second Book of Esdras amongst the Apocrypha, Explained and Vindicated from the Objections Made against Them*. London.
- Gabra, G. (2009). *The A to Z of the Coptic Church* (The A to Z Guide Series, No. 107). Lanham, Toronto & Plymouth: Scarecrow Press, Inc.
- Lewy, H. (2011). *Chaldaean Oracles and Theurgy. Mystic Magic and Platonism in the Later Roman Empire. Troisieme edition par Michel Tardieu avec un supplement «Les Oracles chaldai'ques 1891-2011»* (Série Antiquité 77). Paris: Institut d'Études Augustiniennes.
- Mack, B. L. (1993). *The lost gospel: the book of Q & Christian origins*. New York: HarperCollins Publishers.
- McKenzie, J. L. (1965). *Dictionary of the Bible*. New York & London: the Bruce Publishing Company & Collier-Macmillan Ltd.
- Muss-Arnolt, W. (1904). 'The New Testament Apocrypha'. *The American Journal of Theology*, vol. 9, pp. 750-761.
- Peeters, P. (1914). *Évangiles Apocryphes, vol II: l'évangile de l'enfance*. Paris: Auguste Picard.
- Piercy, W. C. (1908). *The Illustrated Bible Dictionary*. New York: E. P. Button and Company.
- Plato. (1855). *The Works of Plato*. Vol. IV. Edited by George Burges. London: Henry G. Bohn.
- Smith, W. (1863). *A Dictionary of the Bible*. Vol. II. Boston: Little, Brown, and Company.
- Sturdevant, W. (1973). *The Misterio de los Reyes Magos. Its Position in the Development of the Mediaeval Legend of the Three Kings*. 2nd edition. London and New York: Johnson Reprint Corporation.

- Waldstein, M. and F. Wisse (1995). *The Apocryphon of John. Synopsis of Nag Hammadi Codices II,1; III,1; and IV,1 with BG 8502,2* (Nag Hammadi and Manichean Studies XXXIII). Leiden, New York & Köln: Brill.
- Welburn, A. J. (2008). *From a Virgin Womb. The Apocalypse of Adam and the Virgin Birth*. (Biblical Interpretation Series vol. 91.)Leiden and Boston: Brill.

سید ارف
